

Research Paper

Oil and its effects on development in Iran in the 1340s

Maryam Salari¹, Soheila Torabi Farsani^{*2}, Naser Jadidi³

1 PHD student in the history of Iran after Islam, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2 Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3 Associate Professor, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Keywords

Development, 1340s,
Oil, Construction

ABSTRACT

After the Second World War and especially after the coup d'état on August 28, 1332 AH, which was rooted in oil, relative stability gradually prevailed in Iran due to the government's move towards tyranny. At this time, the will of the top of the pyramid of power to industrialize and on the other hand increase the price of oil and the resulting wealth played an important role in development. In this regard, the industrial and civil aspects, and the social and political effects resulting from it can be investigated. This article relies on the question of what effects oil has had on the development process in Iran in the 1940s. has been compiled. The purpose of writing the article is to analyze the various dimensions of the role of oil in industrial development and construction plans, as well as its social and political reflection in the mentioned decade. This research is one of the historical researches according to the descriptive-analytical method and the information related to its implementation has been written in a library style. The result of the present research shows that the will to achieve development based on oil wealth gave Iran's industry a fundamental but unstable transformation. It changed the face of the cities, but the lack of balance in the balanced benefit of the social classes from development in its economic and political concepts, the gap between the government and the nation led to irreconcilability.

*Corresponding Author.

Email Addresses: stfarsani1963@gmail.com

Salari, M., Torabi Farsani, S. and Jadidi, N. (2025). Oil and its effects on development in Iran in the 1340s. Human Ecology, 3(9), 685-694.



Doi: [10.22034/el.2025.508544.1066](https://doi.org/10.22034/el.2025.508544.1066)

نفت و تأثیرات آن بر توسعه در ایران دهه‌ی ۱۳۴۰ شمسی

مریم سالاری^۱، سهیلا ترابی فارسانی^۲، ناصر جدیدی^۳

۱ دانشجوی دکتری رشته تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۳ دانشیار گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

چکیده

پس از جنگ جهانی دوم وجه ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش که ریشه در نفت داشت به تدریج ثبات نسبی ناشی از سوق حکومت به سوی استبداد در ایران حاکم شد. در این زمان اراده رأس هرم قدرت مبنی بر صنعتی شدن و از سوی دیگر افزایش قیمت نفت و ثروت حاصل از آن نقش مهمی در توسعه بازی کرد. در این راستا ابعاد صنعتی و عمرانی، و تأثیرات اجتماعی و سیاسی ناشی از آن قابل بررسی می‌باشد. این مقاله با تکیه به این سؤال که نفت چه تأثیراتی بر روند توسعه در ایران دهه‌ی چهل شمسی داشته است؟ تدوین گردیده است. هدف از نگارش مقاله تحلیل ابعاد مختلف نقش نفت در توسعه‌ی صنعتی و برنامه‌های عمرانی و همچنین بازتاب اجتماعی و سیاسی آن در دهه مذکور است. این پژوهش از جمله پژوهش‌های تاریخی منطبق بر روش توصیفی — تحلیلی بوده و اطلاعات مربوط به انجام آن به شیوه‌ی کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است. دستاورد پژوهش حاضر نشانگر آن است که اراده دستیابی به توسعه متکی بر ثروت ناشی از نفت، صنعت ایران را تحولی بنیادی اما ناپایدار بخشید. چهره‌ی شهرها را دگرگون ساخت ولی عدک توازن در بهره‌مندی متعادل طبقات جامعه از توسعه در مفاهیم اقتصادی و سیاسی آن، شکاف دولت، ملت را به سمت آشتی ناپذیری کشاند.

واژگان کلیدی

توسعه، دهه‌ی ۱۳۴۰،

نفت، عمران

۱. مقدمه

داستان نفت در ایران یکی از غم‌انگیزترین صحنه‌های تاریخ چند هزار ساله ایران را در یک سده‌ی اخیر رقم زد و در عین حال زندگی سرخوشانه ایرانیان در همین یک قرن مدیون نفت است. روزی که مسیو آنتوان کتابچی به نمایندگی از ویلیام ناکس دارسی امتیاز نفت را از مظفرالدین شاه قاجار گرفت کسی را گمان آن نبود کشف و استخراج نفت که اولین چاه آن به سال ۱۹۰۸ میلادی در مسجدسلیمان به بهره‌برداری می‌رسید بتواند در طی یک قرن همه‌ی شئون زندگی را در ایران تحت تأثیر خود قرار دهد. در سایه‌ی درآمدهای نفتی، از سیاست گرفته تا اقتصاد و فرهنگ و زندگی اجتماعی به یک‌باره تغییرات شگرفی پیدا شد. به تدریج فعالیت‌هایی در امر توسعه که به معنی فرآیند رسیدن به ثروت و رشد در نهادهای مهم اقتصادی و اجتماعی است، صورت گرفت.

سال‌های منتهی به پایان حکومت قاجارها نفت تأثیر چندانی از نظر اقتصادی و اجتماعی بر زندگی ایرانیان نداشت هر چند در عرصه‌ی جهانی و به ویژه پس از وقوع جنگ جهانی اول نقش این ماده‌ی حیاتی چنان آشکار شد که کلمانسو نخست‌وزیر وقت فرانسه ارزش هر قطره نفت را برابر با ارزش قطره‌ی خون سربازان دانست. با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی و تغییراتی که در قرارداد اولیه‌ی نفت پدید آمد اندک‌اندک سود حاصله از نفت باعث حرکت ایران به سوی تغییرات بزرگ گردید. ایران عصر قاجار به یک‌باره جای خود را به یک کشور شبه‌صنعتی داد و کارخانجات متعدّد در نقاط مختلف ایران سربرآوردند که به یقین سرمایه‌ی اولیه‌ی احداث آنها از نفت بوده است. جنگ جهانی دوم و تحولات پس از آن موج بزرگی از تغییرات را در ایران رقم زد.

در زمان محمدرضا شاه، نخست‌وزیری مصدق برگی بزرگ از تحولات این دوره می‌باشد که با ملی‌گرایی و تلاش برای احقاق حقوق پایمال شده‌ی ایرانیان در قراردادهای نفتی همراه است آنچه که به نهضت ملی شدن نفت معروف شد. دوره‌ی ده ساله‌ی سلطنت محمدرضا پهلوی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۳ را می‌توان حرکت به سوی خودرأیی تعبیر کرد که هنوز دلارهای نفتی آن چنان در اختیار وی قرار نداشت تا بلندپروازی‌هایش را جامه‌ی عمل بپوشاند. اما در پانزده سال آخر سلطنت وی اعتماد به نفس کافی برای قدرت را پیدا کرده بود. از سوی دیگر افزایش قیمت نفت سبب شد تا دستش برای هزینه کردن امور مختلف از جمله توسعه باز شود. هر دوی این عوامل سبب شد تا در دهه‌ی چهل شمسی یک دوره‌ی جهش بی‌سابقه در طرح‌های صنعتی و عمرانی را شاهد باشیم. انجام پروژه‌های بزرگ با اتکا بر نفت باعث تغییرات بزرگ سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی هم شد.

پژوهش حاضر که از جمله تحقیقات تاریخی می‌باشد و اطلاعات مربوط به آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که نفت چه تأثیراتی بر روند توسعه در ایران دهه‌ی چهل شمسی داشته است؟ برخی سؤالات فرعی نیز عبارتند از: ۱- نفت چه نقشی در توسعه‌ی صنعتی ایران ایفا کرده است؟ ۲- طرح‌های عمرانی، دهه‌ی چهل تا چه حد متأثر از نفت می‌باشند؟ ۳- تأثیرات اجتماعی و سیاسی نفت در جامعه‌ی ایران چه بوده است.

فرضیه‌ی اصلی پژوهش بر این پیش‌فرض استوار است که تحولات صنعتی و عمرانی دهه‌ی چهل بر پایه‌ی دلارهای نفتی شکل گرفته که تأثیرات اجتماعی و سیاسی فراوانی را در جامعه‌ی ایران رقم زده است. فرضیه‌های فرعی را هم می‌توان چنین طرح کرد: ۱- درآمدهای نفتی سبب شد تا شاه به طرح‌های عظیم صنعتی چشم بدوزد. ۲- در سایه‌ی دلارهای نفتی رنگ و چهره‌ی شهرهای ایران تغییر کرد و طرح‌های عمرانی مانند ایجاد بیمارستان، بانک، دانشگاه، جاده و فرودگاه یکی پس از دیگری به مرحله‌ی انجام رسیدند. ۳- اتکاء اقتصاد بر تولید و درآمدهای نفتی تنها بر توسعه‌ی اقتصادی انجامید و توسعه‌ی سیاسی و رفع شکاف طبقاتی را در پی نداشت. موارد فوق ظرفیت خودکامگی شاه را تقویت کرد به طوری که دهه‌ی بعد تحولات بزرگی پدیدار گشت.

هدف اصلی پژوهش بررسی و تحلیل نقش نفت در توسعه صنعتی، عمرانی، اجتماعی و سیاسی دهه‌ی چهل شمسی می‌باشد و برخی اهداف فرعی همچون: ۱- بررسی نقش نفت در توسعه‌ی صنعتی ۲- توضیح و کنکاش پیرامون طرح‌های عمرانی ناشی از درآمدهای نفتی ۳- تحلیل تأثیرات نفت بر توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ایران، نیز در سایه‌ی این پژوهش تحقق یافته است.

برخی نفت را چون شمشیر دولبه‌ای هم عامل توسعه‌یافتگی و هم عامل عقب‌ماندگی می‌دانند. علی محمد ایزدی در کتاب چرا عقب مانده‌ایم؟ رضا امیرخانی در نفحات نفت، محمود نکوروج در عوامل توسعه‌ی غرب و علل توسعه‌نیافتگی ایران، جمال هاشمی در بالندگی و بازندگی ایرانیان، فرامرز رفیع‌پور در توسعه و تضاد و بسیاری دیگر از علاقه‌مندان به حوزه‌ی توسعه‌یافتگی ایران به صورت مستقیم و غیرمستقیم به نقش نفت در توسعه‌ی ایران در دهه‌ی چهل شمسی پرداخته‌اند. اما پژوهش حاضر علاوه بر اهمیت نفت به عنوان موتور محرک در امر توسعه به نقش تولید به عنوان عنصر پایداری توسعه و تثبیت کننده رشد اقتصادی می‌پردازد. این امر در دهه ۱۳۴۰ محقق گردید و پس از آن بنا به شرایطی از ادامه متوقف ماند. رکود تورمی در همان حال پس‌لرزه‌های افزایش نقدینگی و توسعه‌ی نامتوازن را به تحولات اجتماعی منجر به انقلاب سال ۱۳۵۷ گره می‌زند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۲. نفت و نقش آن در توسعه‌ی صنعتی

ایران از لحاظ مجموع ذخایر انرژی رتبه‌ی نخست در جهان را به خود اختصاص داده به طوری که با داشتن یک درصد جمعیت جهان بیش از ۷ درصد منابع معدنی دنیا را در اختیار دارد (حیدرپور، ۱۳۹۱). اقتصاد بسیاری از کشورها وابسته به نفت و فرآورده‌های نفتی می‌باشد به همین علت بررسی نقش نفت در اقتصاد بسیار حائز اهمیت است. هم‌چنین درآمدهای نفتی به عنوان یک متغیر مستقل در اقتصاد سیاسی ایران در طول هشتاد سال گذشته نقش بازی کرده است. نفت علاوه بر این مسبب اصلی توسعه‌نیافتگی در ابعاد گوناگون بوده و مشکلات اجتماعی نیز به گونه‌ای ناشی از اتصال به آن می‌باشد. (ثاقب، ۱۳۹۹، ۳۳).

اقتصاد ایران در دوره‌ی حکومت پهلوی پیشرفت‌های شایان توجهی کرد که در قیاس با تجربه‌ی کشورهایی چون ترکیه و مصر، مطلوب‌تر به نظر می‌رسید، تا پیش از آن ایران برای قرن‌ها در جبر جغرافیا، فقر، ناامنی و نبود بهداشت، بر پایه‌ی اقتصاد کشاورزی و دامداری معیشتی سپری شده بود. تنها با وجود نفت بود که این چهره تغییر کرد (رضاقلی، ۱۳۹۰، ۷۹). رشته اصلاحاتی که در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در زمان پهلوی و به خصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کلید خورد همراه با درآمدهای نفت، اقتصاد را قادر ساخت یکی از چشمگیرترین دوره‌های رشد پایا و تورم کم را تجربه کند و صنعتی شدن کشور با مداخله‌ی حکومت و با اتکاء به درآمدهای نفتی ادامه یافت.

نفت از یک نظر تفاوتی با طلا ندارد، هنگامی که منابع معدنی، منبع اصلی ثروت دولت باشند، این درآمدها، چارچوب تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهند و همه‌ی جنبه‌های اساسی یک دولت مثل استقلال در شکل‌گیری اهداف و نوع نهادهای سیاسی را نیز متأثر می‌سازند، نفت الگوهای اکتساب ظرفیت‌های دولت را تعیین می‌کند و دولت‌های نفتی را می‌توان زیرمجموعه‌ی دولت‌های معدنی در نظر گرفت. این کشورها قابلیت ایجاد رانت‌های فوق‌العاده‌ای دارند و در کشورهای در حال توسعه، رانت منابع مستقیماً به دولت تعلق می‌گیرد (کارل، ۱۳۹۸، ۸۸-۸۵).

دولت‌های رانتییر از جمله دولت‌هایی هستند که برای تأمین ملّی اهداف توسعه‌ای مجبور نیستند به مالیات‌ستانی داخلی وابسته باشند و حکومت‌ها الزامی نخواهند داشت تا اهداف خویش را تحت نظارت دقیق شهروندانی که صورت‌حساب مالیاتی می‌پردازند، تدوین کنند. هر رژیمی که با این ساختار پیوند می‌خورد حال چه اقتدارگر باشد و چه دموکراتیک احتمالاً در هنگام سیاست‌گذاری اقتصادی خودسرانه و غیرعقلایی رفتار می‌کند. (کارل، ۱۳۹۸، ۲۹۱). تری‌لین کارل این دولت‌ها را دارای ظرفیت تنزل یافته دولت بودن می‌داند. درواقع اتکاء به نفت باعث فقدان پاسخگویی دولت به جامعه می‌شود و عواید نفتی سبب تحکیم قدرت دولت‌ها می‌گردد و اساس طبقاتی بودن جامعه را نیز تشکیل می‌دهد. (دولت‌ها ترغیب می‌شوند نه تنها مالیات بر درآمد خود را افزایش ندهند، بلکه از دیگر مالیات‌های مترقی نیز دوری نمایند)) (کارشناس، ۱۳۸۳ ص ۲۳۰). واکنش دولت‌هایی که با جهش قیمت نفت رونق گرفتند به همدیگر شباهت دارد، اکثر آنها مخارج عمومی را افزایش دادند و استفاده از رانت‌های نفت را برای استمرار مدل توسعه‌ی نفتی انتخاب کردند. (کارل، ۱۳۹۸، ۲۹۱).

پس از جنگ جهانی دوم و مستقل شدن بسیاری از کشورهای نفت‌خیز، به تدریج نخبگان بومی سعی کردند مالکیت خود بر منابع نفتی را به دست گیرند. جنبش ملّی کردن صنعت نفت ایران در دهه‌ی ۱۳۳۳ م نیز عامل الهام‌بخش بسیاری از کشورهای نفت‌خیز شد. این دوره و پس از آن آغاز دوره‌ی نفت و یک‌سالاری توسعه‌ی اقتصادی ایران بود هر چند که با قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳ م بار دیگر منابع نفتی در کنترل خارجی درآمد. در ایران نیز منابع نفتی و درآمدهای حاصل از آن یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی و سازمان مجری آن یعنی سازمان برنامه بود و بخش مهمی از روند توسعه‌ی اقتصادی ایران مدیون نفت بوده است. بخش نفت به قدری برای دولت و شاه اهمیت داشت که برای وی غیرقابل تصوّر بود بدون درآمد نفت به اداره‌ی کشور بپردازد (فوران، ۱۳۷۸، ۴۶۳).

ایران در سال ۱۳۳۳ طی قرارداد جدیدی به جای شرکت نفت ایران و انگلیس با کنسرسیوم به همکاری پرداخت. کنسرسیوم شامل شرکت نفت بریتانیا با ۴۰ درصد، پنج عنوان نفتی آمریکایی ۳۵ درصد، رویال داچ شل ۱۴ درصد، شرکت نفت فرانسه ۶ درصد و شرکت‌های مستقل آمریکایی جمعاً ۵ درصد می‌شدند و با ایران قراردادی منعقد کردند که به مدت ۲۵ سال نفت ایران را استخراج کنند. قرار بر این بود که سود خالص بین ایران و کنسرسیوم بر مبنای ۵۰-۵۰ تقسیم شود. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۴۲ کنسرسیوم بابت هر تن نفت ۱۲/۵۶ دلار سود برد در حالی که سود ایران از هر تن تنها ۱/۵ دلار بود با این احوال درآمد ایران به ویژه پس از تشکیل اوپک در ۱۹۶۰ و جنگ‌های اعراب و اسرائیل و خطر تحریم نفت به غرب، افزایش یافت و ایران که در این تحریم شرکت نکرد، درآمد نفتی‌اش به طرز بی‌سابقه‌ای بالا رفت به طوری که از ۲۲/۵ میلیون دلار در سال ۱۳۳۳ به ۲۰ میلیارد دلار در ۱۳۵۶ رسید و چیزی نزدیک به هزار برابر شد به این ترتیب نفت در خدمت دولت و دولت وابسته به نفت بود (فوران، ۱۳۷۸، ۴۶۴-۴۶۳).

عواید نفت که در سال ۱۳۴۲ برابر با ۴۰ هزار میلیون ریال و ۱۲ درصد تولید ناخالص ملّی بود یک دهه‌ی بعد با انفجار قیمت آن به ۱,۳۳۳,۳۰۰ میلیون ریال یا تقریباً ۱۸۰۰۰ میلیون دلار رسید (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۳۰۳-۳۰۲). در مسأله‌ی نقش نفت در اقتصاد ایران همواره عنصر ((کیفیت و ساختار نهادهای)) (رنانی، مویدفر، ۱۳۹۲، ۱۵۹) را باید مورد توجه قرار داد. اهداف رأس قدرت سیاسی در دهه‌ی چهل در رسیدن به توسعه‌ی

صنعتی سریع بود. در ابتدا عالیخانی و تیم وی توانستند به تولید اتکاء کنند، اما تکیه بر فروش نفت به عنوان راه سهل الوصول رسیدن به دارایی بالا موجب گشت موتور با پشتوانه‌ی مؤثر رشد اقتصادی یعنی «تولید» به تدریج رو به خاموشی برود و دولت رانتییر شکل بگیرد که تمام اتکاء خود را بر استخراج نفت گذارد. این وضعیت مانعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی است. بدین ترتیب فساد نظام‌مند به وجه اصلی در همه‌ی ابعاد به خصوص اقتصاد تبدیل شد. مناسبات رانتی، عایدات نفتی را چون سفره‌ای آماده و در اختیار کسان و گروه‌های خاص تبدیل کرد در نتیجه به شکاف طبقات و فاصله‌ی بین آنها دامن زد.

سیاست‌های اقتصادی محمدرضا پهلوی تحت تأثیر عوامل خارجی و داخلی متعددی بود. در داخل گروه‌های ملی‌گرا با اندیشه کوتاه کردن دست دولت‌های استعمارگر خصوصاً انگلیس از صنعت نفت و گروه‌های مذهبی با ترس از ضربه خوردن به پایه‌های قدرت اسلام در اثر نوسازی اقتصادی چالش بزرگی را در برابر شاه شکل دادند. از آن سو قدرت‌های خارجی هم هر یک در پی رسیدن به منافع خود بودند. محمدرضا پهلوی برای سر و سامان دادن به اقتصاد ایران و ایجاد تعادلی میان گروه‌های داخلی و دولت‌های خارجی اقدام به تدوین برنامه‌های عمرانی نمود (آوری و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۵۹-۱۵۸).

۳-۲. برنامه‌های عمرانی و نقش بودجه نفت

با تکیه بر درآمدهای نفتی اولین برنامه توسعه در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ به تصویب رسید و مدت اجرای آن هفت سال در نظر گرفته شد. قرار بر این بود که بخشی از اعتبارات آن از محل وام خارجی تامین شود که در روند تقاضای آن، بانک جهانی پرداخت وام را در صورت ارائه گزارش و اعلام چگونگی مصرف آن پذیرفت (ابتهاج، ۱۴۰۱، ۸۳). با تغییر دولت‌ها و نمایندگان در جلسات مجمع عمومی بانک جهانی و نهایتاً با قطع کامل درآمدهای نفتی طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ برنامه عمرانی اول با مشکل مواجه شده و ناکام ماند.

در برنامه هفت ساله عمرانی دوم رویه محتاط‌تری در تخصیص درآمدهای نفت به هزینه‌های عمرانی انجام شد اما باز هم رعایت آن ممکن نشد و سهم بخش نفتی در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ به صفر رسید و در اسفندماه سال ۱۳۳۶ سهم سازمان برنامه از درآمد نفت بابت چهارسال آخر از ۸۰ درصد به ۶۰ درصد کاهش برآورد شد. آرام آرام سهم خالص سازمان برنامه از درآمد نفت در طول اجرای برنامه عمرانی دوم به کمتر از ۴۳ درصد رسید و استقراض از بانک ملی و کاهش موجودی کالاهای وارداتی افزایش قیمت‌ها را در پی داشت. (نیلی، کریمی، ۱۴۰۰، ۱۴) این در حالی بود که درآمد ارزی کشور ناشی از افزایش صادرات نفت در حال افزایش بود و از ۱۳۹ میلیون دلار به ۳۵۹ میلیون دلار رسیده بود (لیلاز، ۱۳۹۸، ۱۶۲). در اواخر دهه سی کسری بودجه موجب بالا رفتن شاخص هزینه زندگی تا ۳۵٪ گردید و بحران اقتصادی ایران را در بر گرفت که حکومت را وادار به کاهش اعتبارات و کاهش هزینه‌های عمومی کرد (بولتن بانک مرکزی، ۱۳۴۹، ۶۹۳-۶۷۳).

برنامه عمرانی سوم در شهریور ۱۳۴۱ و برای ۵ سال و نیم تصویب شد، میانگین رشد اقتصادی این برنامه تقریباً ۸/۳ درصد بود و اولین برنامه جامع توسعه در ایران به شمار می‌رود (گودرزی و دیگران، ۱۳۸۱، ۲۳۱). با اینکه برنامه عمرانی سوم هم بنا به روند چهارده ساله قبل، ارقام کمتری را برای اختصاص به هزینه‌های عمرانی در نظر گرفت اما باز هم مبلغ ۲۳۰ میلیارد ریال را صرف هزینه‌های عمرانی کرد که ۶۷ درصد آن از محل درآمد نفت بوده است. دریافت‌های بخش نفت از ابتدا تا پایان برنامه سوم رشد ۷۳/۵ درصدی داشت و بیشتر از سهم کشاورزی و صنایع و معادن بوده است به طوری که باعث میزان تورم ۷/۵ درصد شد که در تاریخ اقتصاد ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۴۰۱ کمترین نرخ تورم بوده است (لیلاز، ۱۳۹۸، ۱۲۸).

در برنامه عمرانی چهارم مقرر شد ۸۰ درصد کل درآمد نفت و ۱۰۰ درصد درآمد صنعت تازه تاسیس پتروشیمی به سازمان برنامه واریز و به مصرف عملیات عمرانی برسد. رویکرد اصلی برنامه عمرانی چهارم تسریع رشد از طریق افزایش توان تولید بوده است. از برآورد برنامه عمرانی چهارم ۱۵۳ درصد بیشتر از برنامه سوم از محل درآمدهای نفتی پیش‌بینی شده بود و عامل اصلی دو برابر شدن اعتبارات عمرانی برنامه چهارم در مقایسه با برنامه سوم از یک سو و تداوم بزرگ شدن برنامه دولت و افزایش سهم آن در اقتصاد ملی از سویی دیگر به حساب می‌آمد (آوری و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۷۴-۱۷۳).

در این دوران بخش نفت در مقایسه با دیگر بخش‌ها اهمیت زیادی یافت، روند افزایش بودجه نفت به رشد برنامه‌های عمرانی کمک زیادی کرد، برای دوره‌ای پنج‌ساله از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ پیش‌بینی شده بود که هزینه‌های عمرانی از محل نفت و گاز تأمین شود، درآمد نفت در این دوره پنج‌ساله ۱۸۷ میلیارد ریال بود که ۱۵۳ درصد از عملکرد مشابه برنامه عمرانی سوم بیشتر بود. (بولتن بانک مرکزی ایران، ۱۳۴۹، داده‌های سری سازمانی) در این سال‌ها درآمدهای ارزی حاصل از فعالیت‌های بخش نفت به میزان تقریباً ۶۵ درصد پرداخت‌های خارجی مربوط به واردات کالا و خدمات بوده است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که اقتصاد ایران وابستگی شدیدی به بخش نفت داشته است (مرکز پژوهش‌ها، برنامه چهارم عمرانی ایران، ۳۲).

اگرچه در این سال‌ها شاه دائماً به افزایش صادرات غیرنفتی تاکید می‌کرد ولی با این حال باز هم مهم‌ترین اولویت در برنامه را درآمدهای نفتی تشکیل می‌داد. به طور کلی قرار بود بخش نفت به مرکز رشد اقتصادی کشور تبدیل شود و رشد آن از سایر بخش‌ها مثل صنایع و کشاورزی بیشتر شود، این تغییر مسیر و تمرکز برنامه‌های عمرانی از کشاورزی به نفت چنان شدید و سریع بود که اعتراض شاه را هم برانگیخت اما در عمل نه تنها نخست وزیر حاضر به تغییر رویه نبود بلکه خود شاه هم هزینه‌های نیروهای مسلح را از این مسیر دنبال می‌کرد و حاضر به کاهش آن نبود و در عین حال در تصمیمی شاه خواهان توازن بین بلوک غرب و شرق در صادرات نفت شد (علم، ۱۳۷۱، ۲۱۱).

در این سال‌ها، ایران کم کم به طور کامل حاکم بر منابع نفتی خود شد و رابطه ایران از حالت مشارکت به حالت خرید و فروش تغییر پیدا کرد. شاه پیش‌بینی می‌کرد که به زودی قرار است چه تحولات عظیم و بی‌سابقه‌ای در سطح ژئوپلیتیک و نیز قیمت نفت رخ دهد، جنگ شش اکتبر ۱۹۷۳ / چهارده مهر ۱۳۵۲ اعراب و اسرائیل هم بیش از آن که سرنوشت کشورهای متخاصم را مشخص کند و سرنوشت نظام حاکم بر ایران را دگرگون کرد (فوران، ۱۳۷۸، ۴۶۳).

حالا دیگر جراید اروپا در تعریف از ایران و شاه سبقت می‌گرفتند و شاه به علم می‌گفت: «یادت هست چقدر التماس می‌کردیم که در این کمپانی‌های نفتی قدری بیشتر استخراج کنند و آنها به ما ناز می‌کردند؟» (علم، ۱۳۷۱، ج ۲، ۲۶۳-۲۶۲). اگرچه آبادیان معتقد است افزایش درآمدهای نفتی موجب از هم گسیختگی نهادهایی مانند سازمان برنامه و بانک مرکزی شد. (آبادیان نوار ۱، ۱۱-۱۰). مجیدی نیز اشاره می‌کند «بعد از این جریان افزایش شدید قیمت نفت همه نظم‌هایی که در ظرف سال‌های سال با زحمت رشته بودیم و برقرار کرده بودیم همه را به هم ریخت» (مجیدی، نوار ۸، ۴-۳).

افزایش قیمت نفت می‌توانست فرایند توسعه را در کشوری که در زیر ساخت‌ها، دچار چالش است تسریع بخشد اما در عمل باعث چالش‌های جدید شد. رشد تقاضای منابع مالی در دستگاه‌های مختلف، کشور را به مرز ورشکستگی رساند. مجیدی هم‌چنین رشد درآمدهای نفتی را از مهم‌ترین عوامل ایجاد بی‌انضباطی مالی در پنج سال آخر حکومت پهلوی می‌داند که منجر به تورم‌های بالا در سال‌های پایانی حکومت پهلوی شد (رئیس جعفری، ۱۳۹۹، ۱۳۲-۱۳۱). سیاست اقتصادی در این سال‌ها نیز خرید و واردات کالاها بود صنایع عمدتاً به رونق اوایل دهه نبودند و مونتاژ در سطح وسیعی انجام می‌شد به طوری که عالی‌خانی نقل می‌کند «حتی برچسب ساخت ایران نیز در خارج ساخته می‌شد» (عالی‌خانی، نوار ۱۵، ۲) و صاحبان کارخانه‌ها بجای تولید به واردات کالا پرداختند.

افزایش وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی در برنامه پنجم به مرزهای غیرقابل تصور رسید و اقتصاد ایران به طرزی آشکار از تکیه بر بنیان‌های تولیدی به سمت حاکمیت خدمات به پیش می‌رفت (لیلاز، ۱۳۹۸، ۴۰۴). در تمام سال‌های اجرای برنامه چهارم و پنجم عمرانی، بخش نفت پررونق‌ترین بخش اقتصادی ایران و منبع اصلی تأمین هزینه‌های آن بوده است. در برنامه چهارم رشد چشمگیر تولید نفت اما در برنامه پنجم رشد چشمگیر قیمت آن محور توسعه کشور بود. درآمدهای نفتی در ۱۵ سال افزایش یافت و از ۳/۶ میلیارد دلار برنامه سوم به ۸ میلیارد دلار در برنامه چهارم و ۸۵ میلیارد دلار در برنامه پنجم رسید. شاه و دربار از درآمد سرشار نفت بهره می‌گرفتند و شرکت ملی نفت ایران محرومانه و به طور منظم بخشی از درآمد نفت را به حساب شاه واریز می‌کرد. وابستگان دربار نیز از این درآمدهای نفتی بهره‌مند می‌شدند و میزان کمیسیون به برخی مقام‌های دولتی به میزان وابستگی و وفاداری این افراد به شاه متغیر بود (فوران، ۱۳۷۸، ۴۶۴).

صنعت مهم‌ترین بخش و وجه تولید سرمایه‌داری است گرچه در دوران پهلوی حکومت برای صنعت از استراتژی خاصی پیروی نمی‌کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۲۷۷). در دهه ۱۳۴۰ تاکید عمده بر صنعتی شدن به منظور جایگزینی واردات بود و دولت می‌خواست مواد موردنیاز مردم شهرها مانند پوشاک، اتومبیل و لوازم خانه در داخل کشور تولید شود اما سهم صنعت در تولید ناخالص ملی ۱۸ درصد و کمتر از سهم خدمات که ۳۵ درصد و نفت که ۳۴ درصد بوده، در نظر گرفته می‌شود. صادرات غیرنفتی تنها ۲ تا ۳ درصد همه صادرات ایران می‌شده که در مقایسه با هند با ۷۵ درصد و سنگاپور با ۶۰ درصد و مکزیک با ۳۷ درصد ناچیز می‌نماید (فوران، ۱۳۷۸، ۴۸۴-۴۸۳).

میانه دهه ۱۳۵۰ با سرعت بی‌سابقه و شگفت‌انگیز نفت که ناشی از ۴ برابر شدن قیمت بود، درآمد سالانه نفت به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵ و ۳۸ میلیارد دلار در ۱۳۵۶ رسید (آبراهامیان، ۱۳۸۱، ۳۹۰). اختلاف در اعداد و ارقام درآمدهای نفتی بین منابع اطلاع‌رسانی مختلف حاکی از عدم شفافیت میزان این درآمدها نزد نهادهای مرتبط می‌باشد. اما روند توسعه صنعتی تنها این سیر صعودی را طی نکرد بلکه از اهداف اولیه مبتنی بر تولید خارج شد و مسیرهای دیگری که البته زود بازده‌تر بودند اما عمق پایدار نداشتند را جایگزین تولید نمود. در نگاهی به شیوه مصرف درآمدهای نفتی می‌توان کاملاً آن را در خدمت تجملات، فساد دربار و سهم مصارف بورکراتیک تأسیسات هسته‌ای و خرید تسلیحات گران از کشورهای ناتو دانست. این هدر رفت سرمایه عمومی و فساد فزاینده‌ای که نفت آن را تشدید می‌کرد بر هدف‌گذاری‌های صنعتی شدن تأثیر گذاشت. وام‌هایی کم‌بهره به بخش خصوصی تعلق گرفت و درآمدهای نفتی بر طرح‌ها و برنامه‌های عمران اثر می‌گذاشت.

با پشتوانه این درآمدها که بیش از همه به شبکه حمل و نقل و کشاورزی بویژه امر اصلاحات ارضی و طرح‌های کلان آبیاری در گستره کشت و صنعت پرداخته شد و سپس به سمت صنعت و معدن و خدمات ادامه یافت. بین سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۲ سدهای عظیمی در دزفول، کرج و منجیل ساخته شد و به افزایش نیروی برق از ۵ میلیارد به ۱۵/۵ میلیارد کیلووات ساعت کمک کرد.

بندرهای انزلی، شاهپور (امام خمینی) بوشهر و خرمشهر نوسازی شد و کار ساختمان بندر جدیدی در چاه‌بهار در نزدیک مرز پاکستان آغاز شد. بیش از ۸۰۰ کیلومتر راه آهن احداث گردید و بین تهران، اصفهان و تبریز و مشهد ارتباط ریلی برقرار گردید. رشد سالانه صنعتی باعث احداث کارخانه‌های کوچک (۱۰ تا ۴۹ کارگر) ۷۰۰۰، واحد کارخانه‌های متوسط (۵۰ تا ۵۰۰ کارگر) ۸۳۰ واحد و کارخانه‌های بزرگ با بیش از ۵۰۰ کارگر ۱۵۹ واحد شد. کارخانه‌های نساجی جدید در اصفهان، اهواز و پالایشگاه‌هایی در شیراز، تبریز، تهران، کرمانشاه و مجتمع پتروشیمی در آبادان، خارک و کارخانه‌های ماشین‌سازی در تبریز و اراک و آبادان و ذوب آلومینیوم در ساوه و اهواز تأسیس شد به طوری که از این سرمایه‌گذارهای صنعتی دولت بین سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۲ می‌توان به عنوان یک انقلاب صغیر صنعتی نام برد (آبراهامیان، ۱۳۸۱، ۳۹۳-۳۹۱).

آنچه بین محققان این دوره دیده می‌شود، نشان می‌دهد همه موافق تحقق یک رشد پایدار نبودند و نظرانی درباره پیشرفت صنعتی وابسته و معیوب داشتند، این دسته صنعت ایران را با مشکلات جدی روبرو می‌دانستند، هزینه تولید را بیشتر از سود و مشکلات اداری، نبودن کادر متخصص، تکنسین و مدیر را موجب ظرفیت پایین‌تر از معمول کارخانه‌ها می‌دانستند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۲۷۹). دلایل دیگری در نزد پژوهشگران عرصه صنعت در زمان مذکور مطرح بود از جمله الگوی سود تصنی بسیار بالا، کمبود کارگر ماهر، نبود رقابت به خاطر تعرفه‌های بالا و کاستن از اشتغال به خاطر صنایع سرمایه‌بر را از مشکلات صنعت این دوره می‌دانستند. اصل اساسی در این بین ماهیت وابسته فرایند صنعتی شدن ایران می‌شد که حاصل ضعف ساختاری بود. در واقع صنعت با استفاده از ماشین‌های وارداتی اجزای وارداتی را به کمک تکنولوژی وارداتی مونتاژ می‌کرد و تولید کم کیفیت را با قیمت بالا به فروش می‌رساند.

از دیگر نقدها به بخش صنعت وابستگی آن به سرمایه خارجی بود. صنایع اتومبیل، لوازم خانگی مواد شیمیایی و دارو و پلاستیک به سرمایه خارجی وابسته بودند و این وابستگی گاهی در صنایع بومی مثل بافندگی و ساختمان نیز دیده می‌شد همه این امور تحولی وابسته را به وجود آورده بود (فوران، ۱۳۷۸، ۴۸۶-۴۸۵). پای صنعت به کشاورزی نیز گشوده شد اما مزارع سرمایه‌داری و واحدهای عظیم کشت و صنعت در کنار بخش دیگر حوزه کشاورزی اغلب موجب بی‌کار شدن دهقانان و روانه شدن آنها به سوی شهرها گردید.

۴-۲. تأثیرات نفت بر توسعه سیاسی و اجتماعی

با افزایش قیمت نفت، حکومت شاه که نمایی کم‌رنگ از دولتی اقتدارگر را داشت به یک‌باره به دولتی مافوق اجتماعی و فراطبقاتی تبدیل شد. شاه نه تنها سلطه خود را در توسعه اقتصادی بلکه در کنترل و بهره‌گیری از گروه‌های اجتماعی گوناگون به کار گرفت. در این زمان حتی کم اهمیت‌ترین کارها می‌بایست با اجازه شاه انجام می‌شد. قدرت شاه که با درآمدهای نفتی به وجود آمده بود او را به یک‌ه‌تاز در زمینه سیاست و اقتصاد تبدیل نمود. پس از سرازیر شدن دلارهای نفتی همان دموکراسی نیم‌بند قبل از آن هم از میان رفت و تلاش شاه بر این بود که پایه‌های قدرت خود را بوسیله قدرت اسلحه بر پای دارد و به همین دلیل به تجهیز نیروهای نظامی دست زد و با درآمد سرشار نفت به تقویت و گسترش ارتش پرداخت به طوری که بعد از افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ بودجه نظامی چندین برابر شده و به ۵۰/۱ میلیون دلار رسید (افراسیابی، ۱۳۶۷، ۲۷۸).

در همین حال و هرچه بیشتر شاه در توسعه نهادهای امنیتی تلاش داشت اقتصاد ایران به بیماری هلندی دچار شد (اصطلاحی است که از تأثیر تولید گاز دریای شمال بر اقتصاد هلند گرفته شده و نتیجه آن مواجهه صنایع هلند با رقابت خارجی، صنعت‌زدایی و کاهش اشتغال بود (کارل، ۱۳۹۸، ۵۰). در اقتصادهایی که منابع طبیعی فراوان و تکیه بر درآمد‌های حاصل از صادرات آن، موجب می‌گردد نیازهای کشور برون اتکا به تولید شود و متکی بر واردات کالا باشد. در این صورت ((نهادهای ساختار)) (رنانی، مویدفرد، ۱۳۹۲، ۱۵۹) نیز بر این کیفیت استوار می‌گردد. بیماری هلندی زمانی رخ می‌دهد که درآمد یک کشور ناگهان افزایش یافته و مسئولان آن را به جامعه تزریق می‌کنند اما تقاضا هم در پی آن افزایش یافته و تعادل عرضه و تقاضا به هم می‌خورد. بیماری هلندی سبب می‌شود بخش‌هایی از اقتصاد نظیر صنعت و کشاورزی تضعیف شود و تولید از هم بپاشد. هر چند بیماری هلندی محدود به کشورهای نفت‌خیز نمی‌شود اما چون درآمد کشورهای نفت‌خیز تحت تأثیر صادرات نفت است در این کشورها بیشتر قابل مشاهده است (کارل، ۱۳۹۸، ۲۹۱).

ایران در سال‌های پایانی حکومت پهلوی و با اقدامات شاه اقتصادی ناپایدار و حاصل از فروش نفت داشت. اقتصادی که بر مبنای خام‌فروشی نفت قدرت گرفته بود و درآمدهای ارزی زیادی به دنبال داشت اما با نبود تولید موجب افزایش تورم شده بود. از این خام‌فروشی تحت عنوان «نفرین نفت» یاد می‌شود. سرعت و ضربتی بودن این مدل تحول اقتصادی نیز بدون بستر مناسب و بدون کار فرهنگی و کار دقیق کارشناسی

مشکل ساز شده و به اقتصاد ناپایدار دامن زد و نهایتاً اینکه به دلیل اهمیت نفت در راهبردهای اقتصادی قدرت‌های بزرگ نقش آنها در کشورهای صاحب نفت زیاد می‌شود بخصوص زمانی که نفت کالایی استراتژیک محسوب شود، دخالت‌های خارجی می‌تواند از عوامل دیگر نفیرین نفت باشد. نفیرین‌های نفت همیشه اجتناب‌ناپذیر نیستند بلکه با مدیریت صحیح و تغییرات اصلاحی، می‌توان زیان‌های آن را از سر کشورهای با اقتصاد رانتیر دور کرد (علیزاده، سایت (t.me/Bestdiplomacy).

افزایش درآمدهای نفتی باعث چرخش راهبرد دولت پس از وزارت عالیخانی در اقتصاد در امر توسعه صنعتی از مبنای نفت و تولید، به مبنای صرفاً درآمد نفتی شد. این درآمدها آن چنان افزایش یافت که نیاز به تولید به مثابه امری زمان‌بر و پرزحمت را کاهش داد و در مقابل، ورود هرگونه کالا و خدمات به کشور را افزایش داد. اشتغال‌زایی نیز به تبع رکود تولید کاهش یافت و عمدتاً به بخش ساختمان کشیده شد، مدرنیزاسیون در چهره‌ی شهرها که اولین وجه آن ساخت و سازهای جدید و به سبک غرب بود به وجود آمد. شاه دستور دو برابر شدن اعتبارات برنامه پنجم را در اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی داد ولی با این وجود برنامه پنجم به خوبی پیش نرفت زیرا که ردیف‌های جدید و پرهزینه‌ای برای بودجه‌بندی اعلام گردیده بود به ویژه افزایش بودجه ارتش که بسیار موردنظر و توجه شاه بود، وی تصور این بود که توسعه اقتصادی را می‌توان خرید. یکی از ادله این سخن می‌توان از خرید ۲۵٪ از سهام کارخانه کروپ آلمان که نماد صنعت فولاد در جهان محسوب می‌شد را در زمان افزایش بهای نفت مثال زد. شاه می‌خواست جوابی در خور به مخالفت‌های قدرت‌های بزرگ که ایران را دست کم می‌گرفتند بدهد (آوری و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۶۴-۱۶۱).

کشف و استخراج نفت در ایران سبب شد تحولات بزرگی رقم بخورد. تغییرات یکصد ساله اخیر ایران را که به یمن سود حاصله از فروش نفت پدید آمد، شاید بتوان با دگرگونی‌های کل تاریخ ایران مقایسه کرد و آنچه را در سده اخیر ایرانیان رقم خورده پررنگ‌تر از همه گذشته این سرزمین دانست. در دهه چهل شمسی و به هنگامی که قیمت نفت سیر صعودی گرفت، تأثیرات دستیابی به منابع مالی به خوبی نمایان شد. محمدرضا پهلوی که در پانزده ساله آخر سلطنت خود قبای استبداد را هم بر تن کرده بود و با خودکامگی فرمانروایی می‌کرد، به یکباره فرصتی یافت تا با در دست داشتن منابع مالی جاه‌طلبی‌هایش را به ظهور برساند (آوری و دیگران، ۱۳۸۸، ۱۵۹). که البته نمی‌توان همه آنچه را که محمدرضا پهلوی تلاش برای انجامش را داشت به کل غیرمفید یا همه را مفید ارزیابی کرد. نفت سبب شد تا محمدرضا پهلوی بسیاری از طرح‌های صنعتی نظیر احداث کارخانجات و پالایشگاه‌ها را به مرحله عمل رساند. علاوه بر این، جاده سازی، سدسازی، نیروگاه‌های برق امکان تغییر چهره شهرها را نیز فراهم کرد (رفیع‌پور، ۱۳۸۴، ۸۳-۷۹).

شهرهای بزرگ نظیر تهران، اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز در سایه پروژه‌های عمرانی شکل شمایل جدید یافتند و این خود سبب مهاجرت فراوان روستائیان به شهرها شد که به عنوان نیروی کار در پروژه‌های متعدد مشغول شدند. همین مهاجرت‌ها البته موج بزرگی از ورود خانواده‌های روستائیان به شهرها را همراه داشت که مناسبات اجتماعی این شهرها را تغییر داد و سبب رشد حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی گردید. نابرابری‌های اجتماعی شدت گرفت و نیروهای ضد حکومت از آنها به خوبی بهره‌برداری کردند. شخص پادشاه هم سرمست از قدرت و در سایه زرق و برق شهرها و به ویژه تسلیحات نظامی که از سوی غرب به ایران سرازیر می‌شد، به حاکم مطلق و غیرپاسخگو تبدیل شد که همه اینها سرانجام حباب نفت را منفجر کرد. امتیاز نفت داری سرانجام خوشی نیافت و همه فراز و فرودش به انقلاب ۱۳۵۷ ختم شد (نکوروح، ۱۳۸۴، ۵۸-۵۹).

۴. نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

حکومت محمدرضا شاه پهلوی به عنوان دولتی رانتیر برای تأمین ملی اهداف توسعه‌ای خود به مالیات‌ستانی داخلی وابسته نبود، بنابراین شفافیت عملکردی نیز نداشت. در این اثنا نهادهای رسمی مرتبط با بودجه، سازمان دارایی و بانک مرکزی نیز برآورد دقیق و مطالبه‌گر در ارتباط با میزان درآمدهای نفتی و چگونگی هزینه‌کرد آن نداشتند. اصولاً متولی و تصمیم‌گیرنده اصلی در زمینه اختصاص درآمدهای نفتی به طرح‌های توسعه‌ای، نه نهادهای مرتبط با توسعه بلکه خود محمدرضا شاه پهلوی بود. عواید نفتی سبب تحکیم قدرت حکومت می‌شد و مدل توسعه به وجود آمده توسعه نفتی محسوب می‌گردید. درآمدهای نفتی به عنوان نهادهای قوی در دیکتاتوری محمدرضا پهلوی به شمار می‌رفت که بدون آن توسعه دهه ۱۳۴۰ به سختی امکان‌پذیر بود. افزایش قیمت نفت از اواخر دهه چهل و افزایش پرشتاب آن در اوایل دهه پنجاه، نفت را به عنوان پدیده‌ای در خدمت حکومت شاه و حکومت را وابسته مطلق به آن ساخته بود. در ابتدای دهه چهل با وزارت عالیخانی در اقتصاد، خط‌مشی وی تحت اراده شاه مبنی بر صنعتی شدن با اتکا به درآمدهای نفتی، موجب افزایش تولید شد. میانگین نرخ تورم سالانه ۲/۵ درصد و رشد اقتصادی به ۱۱ درصد میانگین سالانه رقم خورد. گرچه با پول نفت رنگ و روی شهرها به سمت تجدد سوق پیدا کرده بود و طرح‌های زیرساختی مهمی در صنایع و عمران به مرحله اجرا درآمده بود اما به زودی با افزایش غیرقابل تصور درآمدهای نفتی در دهه بعد به علت وجود دولت بی‌ظرفیت در استفاده از آن به پدیده بیماری هلندی، صنعت‌زدایی و توزیع رانت غیر مولد و ناکارآمد منجر گشت که به بی‌اعتبار شدن اقتصاد بر پایه تولید انجامید و تورم را به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش داد.

۶. منابع

۱. آبراهامیان. یرواند، ۱۳۸۱، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، چاپ هفتم، تهران، نشر نی.
۲. آوری. پیترو و دیگران، ۱۳۸۸، تاریخ ایران دوره پهلوی، (از مجموعه تاریخ کمبریج)، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ اول، تهران، نشر جامی.
۳. ابتهج. ابوالحسن، ۱۴۰۱، خاطرات ابوالحسن ابتهج، به کوشش علیرضا عروجی، چاپ اول، تهران، نشر ماهریس.
۴. افراسیابی. بهرام، ۱۳۶۷، ایران و تاریخ، چاپ دوم، تهران، نشر علم.
۵. ابتهج. ابوالحسن، ۱۴۰۱، خاطرات ابوالحسن ابتهج، به کوشش علیرضا عروجی، چاپ اول، تهران، نشر ماهریس.
۶. رئیسی جعفری. رسول، ۱۳۹۹، روایت یک فروپاشی، چاپ اول، تهران، نشر نهادگرا.
۷. رنایی، محسن. مویدفر، رزیتا، ۱۳۹۲، چرخه های افول اخلاق و اقتصاد، چاپ دوم، تهران، نشر طرح نو.
۸. علم. امیر اسدالله، ۱۳۷۱، گفت و گوهای من با شاه (خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم)، زیر نظر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چاپ اول، تهران، نشر طرح نو.
۹. فوران. جان، ۱۳۷۸، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، ترجمه: احمد تدین، چاپ دوم، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۰. کاتوزیان. همایون، ۱۳۹۰، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه: محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، چاپ هفدهم، تهران، نشر مرکز.
۱۱. کارشناس. مسعود، ۱۳۸۲، نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، ترجمه: یوسف حاجی عبدالوهاب، چاپ اول، تهران، نشر گام نو.
۱۲. کارل. تری لین، ۱۳۹۸، معمای فراوانی، ترجمه جعفر خیرخواهان، چاپ هشتم، تهران، نشر نی.
۱۳. گودرزی و دیگران. منوچهر، ۱۳۸۱، توسعه در ایران، چاپ اول، تهران، نشر گام نو.
۱۴. لیلان. سعید، ۱۳۹۸، موج دوم تجدد آمرانه، چاپ دوم، تهران، انتشارات نیلوفر.
۱۵. مجیدی. عبدالمجید، ۱۳۹۸، خاطرات عبدالمجید مجیدی، چاپ پنجم، تهران، نشر گام نو.
۱۶. نکوروج. محمود، ۱۳۸۴، عوامل توسعه غرب و علل توسعه نایافتگی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات چاپخش.
۱۷. نیلی. مسعود، کریمی. محسن، ۱۴۰۰، برنامه ریزی در ایران، چاپ اول، تهران، نشر نی.
۱۸. آبادیان. بهمن، ۱۹۷۵، مصاحبه تاریخ شفاهی هاروارد، نوار شماره ۱.
۱۹. بولتن بانک مرکزی، ۱۳۴۹.
۲۰. حیدرپور، افشین، ۱۳۹۱، مرکز پژوهش های مجلس.
۲۱. رضاقلی، علی، ۱۳۹۰، سرزمین تکرار تجربه ها، ماهنامه نسیم بیداری، شماره ۲۰.
۲۲. عالیخانی، علینقی، (۱۹۸۴)، تاریخ شفاهی هاروارد، مصاحبه کننده حبیب الله لاجوردی، لندن، انگلستان.
۲۳. علیزاده. پروین، نفرین نفت، سایت Bestdiplomacy.
۲۴. مجیدی. عبدالمجید، ۱۹۸۵، مصاحبه تاریخ شفاهی هاروارد، نوار شماره ۸ و ۱۵.
25. Abrahamian, Ervand, 1377, Iran Between two Revolutions, Translation by K. Firoozmand, H. Shamsavarie, M. Modir Shanehchie, 7th edition, Tehran, Nashre Ni.
26. Avory, Peiter and others, 1388, Iran History in Pahlavi period, (from Kambridge collection), translated by Morteza Saghebfar, first edition, Tehran, Nashre Jami.
27. Ebtehaj. Abolhassan, 1401, the memories of Abolhassan Ebtehaj by Alireza Arooji, first edition, Tehran, Nashre Mahris.
28. Afrasiabi. Bahram, 1367, Iran and History, second edition, Tehran, Nashre Elm.
29. Rafiapoor. Faramarz, 1384, Tosea and Tazad, 6th edition, Tehran, Sherkate sahami entshar.
30. Raees Jafari, Rasool, 1399, Narrative of a collapse, first edition, Tehran, Nashre Nahadagra.
31. Nili, Masoud. Karimi, Mohsen, 1400, Planning in Iran, 1th Poublication, Tehran, Nashre Ni.
32. Allam. Amir Asdollah, 1371, Interview me with shah (the secret memories of Asdollah Allam), by Abdolreza Hoshang Mahdavi, first edition, Tehran, Nashre Tarhe No.
33. Fooran. Jan, 1378, failor resistance, translated by: Ahman Tadayon, second edition, moassese Kadmate Farhanai Ressa.
34. Katozian. Homayoon, 1390, Iran polical economy, translated: Mohamadreza Nafici, Kambiz Azizi, 17th edition, Tehran, Nashre Markaz.
35. Karshenas. Masoud, 1382, oil, government and industrializing in Iran, translated by: Yoosof Haji Abdolvahab, first edition, Tehran, Nashre Game No.
36. Karl, Terilin, 1398, the secret of plentifull, translated by: Jafar Kheikhahan, 8th edition, Tehran, Nashre Ni.
37. Goodarzi and others. Manoochehr, 1381, Development in Iran, first edition, Tehran, Nashre Game No.
38. Lilaz, Saeed 1398, the second wave of authoritarian Modernism in Iran, 2nd edition, Tehran, Entesharate Niloufar.
39. Majidi, Abdolmajid, 1398, the memories of Abdolmajid Majidi, 4th publication, by Habib Lajvardi, attempts, Tehran, Entesharte Game No.

40. Nekoorooh. Mahmoud, 1384, the factors of development in west and the reasons of undeveloping in Iran, first edition, Tehran, Entesharate Chapbakhsh.
41. Nili. Masoud, Karimi. Mohsen, 1400, planning in Iran, first edition, Tehran, Nashre Ni.
42. Abodiyani, Bahman, 1975, oral history of Harward interview, Tape No. 1.

